

متن پرسش

با عرض سلام و خداقوت خدمت استاد گرامی: از آغاز جنگ همواره خطری حس می‌کنم و آن اینکه جای نگاه‌ها و تحلیل‌های قرآنی و باطن‌بین به این نبرد بسیار خالی است. خط تحلیلی صدا و سیما نیز مدام بر قدرت تکنولوژیکی ما تاکید می‌کند و با پخش محتواهای هیجانی که ناشی از درگیری‌های ظاهری است سعی در ایجاد امید دارد. این روزها بازخوانی گفتارهای آوینی در روایت فتح شاید تنها ملجأی است که سعی می‌کنم با آن، چشم دلم را باز کنم و اینقدر فریب چشم سر را نخورم. بسیاری از دوستان رسانه‌ای و هنرمند این روزها بی‌قرارند که کاری کنند ولی گویی در همان مناسبات مرسوم می‌افتند. از خودشان غفلت می‌کنند و صرفاً در طلب اثرگذاری روی ذهن مخاطبین‌اند. آیا اولین وظیفه ما در این صحنه، رجوع به خودمان نیست؟ که این صحنه را واقعاً چگونه می‌بینیم؟ (بسیاری این صحبت‌ها را حمل بر انفعال و کار بیهوده می‌دانند) براستی اهالی هنر و رسانه در این نبرد چه رسالتی برعهده دارند؟ لطف می‌کنید اگر پاسخی بفرمایید که بتوانیم در این صحنه به درستی رسالت خود را بیابیم و درگیر کارهایی که شاید بی‌بنیاد است نشویم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه حرف آن است که انسان در تاریخی که پیش آمده جایگاه خود را نسبت به سنت‌های الهی «فهم» کند به آن معنا که بیندیشد راستی را! خداوند چه اراده‌ای در این میدان به میان آورده؟ و در این رابطه ذیل اراده الهی، جایگاه خود را بیابد. وقتی ملاحظه می‌کنید جریان استکبار که مدعی احترام به آزادی و انسانیت بود، تا این اندازه رسوا شده و بحمدالله جبهه مقاومت و بخصوص ایران بزرگ، در این رابطه در جایگاهی قرار دارد که مصداق آیه‌ای است که می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» و هر طور فکر کنیم ملت ما در مقایسه با جریان آمریکا و رژیم صهیونی مصداق همان ایمانی است که طبق آیه فوق شامل عزت و پیروزی خواهد شد و وظیفه جریان‌های فکری و فرهنگی آن است که در این رابطه سخن‌ها و رهنمودهایی را به میان آورند تا معلوم شود هرکس در میدانی که پیش آمده است، چگونه خود را معنا کند. موفق باشید